



طالب از حاکم شوم تا تاجر مواد مخدر

طالبانی که تنها اتکای آنان، پول های سرازیر شده از ریاض و تمویل مالی و انسانی از اسلام آباد بود با تجارتی انس گرفت که همچون ریشه افراط گری، شوم و ویران کننده است: مواد مخدر که اکنون سوخت موثر جنگی این گروه تروریستی است.

طالب در سوء استفاده از احساسات دینی مردم و با پرچم سفید در حمایت همه جانبه از سوی پاکستان و پشتیبانی نهران از جانب امریکا، کشور را تصرف کرد اما طولی نکشید که خشونت و قوانین سخت، مردم را در زندگی طاقت فرسا فرو برد اما همچنان که افغانستان دوران جدیدی را تجربه می کند این گروه تروریستی نیز پوست انداخته و تغییرات گسترده هم در استراتژیک و هم در قوانین خود به وجود آورد تا بتواند نیروی قابل قبول در میان مناطق مختلف باشد.

کوکنار که در زمان حاکمیت این گروه در برخی بخش ها کشت و برداشت می شد در دوران پسا سقوط، مورد توجه بسیار قرار گرفت زیرا پای غرب در میان بود و منافع کلانی که در اتحادی ناهمگون رشد یافت و گول تجارت سیاه را به وجود آورد، مناطق جنوب که حفظ امنیت آن بر عهده نیروهای اروپایی و امریکا بود تبدیل به بهشت کوکنار در نظارت طالبان شد.

هفته سال زمانیکه صرف فساد و گسترش تروریسم در کشور شد، روزگاری تنها امید مردم خسته از جنگ و افراط گری بود که جز ناامیدی و سرخوردگی، کشتار به همراه داشت و مرگ و فقر. و زمانی که مردم از هر قومیت و در هر منطقه ای، اگر درگیر جنگ نبودند در هراس کشتار و حمله به سر می بردند طالبان در حمایت های غرب و حکومت های بی کفایت افغانستان، تاجران بزرگ مواد مخدر شدند و تمرکز خود را بر ولایت های دارای امتیاز معدن و هم مرز با کشورهای منطقه گذاشتند.

به تازگی، هواپیماهای امریکا و اردوی کشور اقدام به بمباران کارخانه های تولید مواد مخدر بخصوص در ولایت هلمند کردند که شمار گلوله های شلیک شده در دو ماه اول ۲۰۱۸ سه برابر دوره مشابه سال گذشته بود و حال، آیا چنین حمله های همانگونه که کابل و واشنگتن ادعا می کنند به طالبان صدمه های گسترده ای وارد کرده یا برای فریب افکار عمومی در جهت تبلیغات است؟

طالبان درهم شکسته پس از یازده سپتامبر که کوه ها، تنها سرپناه آنان بود با جلب حمایت دگرباره عربستان و امارات متحده عربی در کنار حمایت های نهران امریکا، نیروهای خود را سازماندهی کرد و قدرت را در جنوب به دست گرفت، درست منطقه ای که بنا به اهداف کاخ سفید باید قتل گاه تروریستان می بود نه حاشیه امن آنان.

این گروه تروریستی، طی سال های گذشته با گسترش مناطق تحت کنترل خود، مراکز اصلی کشت و تولید مواد مخدر را از ولایت ارزگان و هلمند در جنوب گرفته تا فراه و نیمروز در غرب و بدخشان در شمال شرقی کشور گسترش دادند و اکنون با طرح استراتژی جنگی، خواهان دست یابی به مناطق مرزی فراه بخصوص ولسوالی دره انار است در حالی که مرزهای جنوبی و شرقی را در اختیار دارند.

تغییر جغرافیای جنگی در دوره ریاست جمهوری اشرف غنی نیز بر این اصل استوار بود که شمال و شرق با استعدادهای بیشمار معدنی و سنگ های قیمتی در کنار گذرگاه های برای انتقال مواد مخدر به آسیای مرکزی در ضعف امنیتی حکومت که ریشه در خیانت مقام های بلندپایه دارد به دست طالب و داعش ناامن شد و از همین رهگذر، مقام های خود فروخته محلی در همکاری با تروریستان از منافع تجارت سیاه سود ببرند و مردم همچون چهار دهه گذشته قربانی بازی های سیاسی منطقه و جهان.

در همین راستا، بمباران مراکز تولید مواد مخدر بیش از اینکه تاثیری بر منابع عایداتی طالبان داشته باشد خطر تلفات غیرنظامی دارد زیرا کارخانه های کوچک به سادگی و سرعت بازسازی می شود.

بخش زیادی از مرزهای جنوب و شرق کشور خارج از حیطه حکومت و در اختیار تروریستان، منطقه عبور و مرور آنان می باشد که تهی از کنترل بر حمل و نقل مواد مخدر در امتداد خط دیورند است.

و زمانیکه حکومت خود از بانیان گسترش ناامنی و ایجاد حاشیه امن برای تجارت سرسام آور مواد مخدر تامین کننده عواید مالی طالبان است، ولایت های استراتژیکی همچون فراه بدل به جولانگاه این گروه تروستی می شود و استقرار آنان، نتیجه ای جز تامین نیروی انسانی، مالی و تسلیحاتی و دسترسی آسان به کشورهای منطقه ای ندارد.